ادامه از صفحه۲

روحانیونی که خلع لباس شدند

... د- کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود. شکایات ابتدا در دادسرای استان مربوطه در نزد دادستان همان استان طرح می‌شود. سپس با دستور دادستان به یکی از شعبات دادیاری ارجاع می‌شود و مجددا برای صدور کیفرخواست به نزد دادستان ارجاع می‌شود. پس از صدور کیفرخواست پرونده به دادگاه بدوی ارجاع می‌شود که در همان دادسرا قرار دارد.

پس از صدور رأی بدوی، در صورت اعتراض یکی از طرفین، به دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت ارجاع می‌شود که فقط در تهران وجود دارد. رأی دادگاه تجدیدنظر قطعی است و فقط مشتکی‌عنه روحانی می‌تواند درخواست اعاده دادرسی کند. تمام مراحل محرمانه انجام می‌گیرد و تمام ابلاغ‌ها و آرای صادره به صورت حضوری ابلاغ می‌شود. شاکی حق دریافت هیچ‌کدام از اوراق و اسناد پرونده و حتی آرای صادره را ندارد. در طول روند رسیدگی معمولا سعی بر ایجاد مصالحه و توافق طرفین می‌شود تا شخص روحانی محکومیت کیفری پیدا نکند. سیر روند رسیدگی به دلیل حجم کم پرونده‌ها معمولا در کمتر از یک سال و سریع‌تر از محاکم عمومی است. این دادگاه همچنین ضمن محاکمه محمد موسوی‌خوئینی‌ها، مدیرمسئول روزنامه سلام، حکم به توقیف پنج‌ساله این روزنامه داد. در اطلاعیه روابط‌عمومی دادسرای ویژه روحانیت درباره محمدرضا نکونام آمده بود که او در دادگاه بدوی به پنج سال حبس، شلاق تعزیری و خلع لباس روحانیت محکوم شده و حکم صادره در دادگاه صادره قطعیت یافته است. رئیس دادگاه ویژه روحانیت درحال‌حاضر محمدجعفر منتظری و دادستان ویژه روحانیت ابراهیم رئیسی است.

حاکم شرعی که خلع لباس می‌کرد

تاریخ حاکی از این است که ماجرای خلع لباس روحانیت صرفا در ید دادگاه روحانیت نبوده است؛ مثلا هادی غفاری زمانی که قاضی شرع بوده، عده‌ای را خلع لباس کرده. او در گفت‌وگویی گفته بود: «ما مجموعه‌ای از روحانی‌نماهای غیرصالح را خلع لباس کردیم که این نیز برای بعضی‌ها خوش نیامد و در این مورد انتقاداتی به من شد که اگر فرصت داشتم حاضر بودم پرونده کسانی را که خلع لباس کردم نشان بدهم. کسانی بودند که حتی سوادشان آن‌قدر نبود امضا کنند و اینها ۱۳ سال به‌عنوان روحانی مطرح بودند. یکی از اینها اصلا سواد خواندن و نوشتن نداشت و سالیانی بود که امام‌جماعت یک مسجد بود، حتی حمد و سوره را هم بلد نبود بخواند. یکی از آنها بود که در معامله قاچاق مواد مخدر هم بود. یکی دیگر رفتارش در منطقه مطابق با شئونات روحانیت اسلام انقلابی نبود؛ رفتارش جلف بود مثل بچه‌های اشراف دائما به فکر زندگی اشرافی و برخورد غیرانسانی و کلاشی بود. این مجموعه را ما خلع لباس کردیم. من خلع لباس کردم، البته در حضور علمای مبارز منطقه که در تمام مراحل حکمی که به این منظور نوشته شد و در دادگاه تمام علمای مبارز منطقه حضور داشتند. من نیامدم دادگاه را به تنهایی تشکیل دهم».

مدعیانی که به نتیجه نرسید

اسفند ۸۹ هم برخی به دنبال خلع لباس مهدی کروبی بودند. باشگاه خبرنگاران در مطلبی نوشته بود که رئیس فراکسیون روحانیت مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب که کروبی شایسته ملبس‌بودن به لباس روحانیت نیست، گفت: «خلع لباس کروبی در دستور کار دادگاه ویژه روحانیت است. حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدتقی رهبر، نماینده وقت مردم اصفهان خلع لباس کروبی را به نفع نظام دانست و گفته بود: «کروبی در طی چندسال اخیر با بی‌حرمتی در مقابل نظام و انقلاب ایستاده و خلع لباس وی کوچک‌تر از جرمی می‌باشد که تاکنون انجام داده است. دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی به تخلفات کروبی را در دستور کار خود قرار داده است. جعفر شجونی، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز هم زمانی که در قید حیات بود در همین ارتباط گفته بود: «کروبی به‌عنوان یک روحانی‌نما صف خود را از صفوف متحد و متراکم امت اسلام جدا و از رأفت و رحمت جمهوری اسلامی سوءاستفاده کرده و دست به اقداماتی زده که آمریکا و اسرائیل هم جرئت چنین جسارت‌هایی را ندارند». او با بیان اینکه تقاضای خلع لباس کروبی از قم آغاز شده و دادستانی ویژه روحانیت دراین‌باره تصمیم نهایی را خواهد گرفت، گفته بود: «خلع لباس کروبی تنها از لحاظ گرایش تهذیبی مطرح می‌شود و دستگاه قضائی نیز به دیگر فسادهای وی رسیدگی خواهد کرد».

۲۵ دی ماه مذاکرات مصدق و هندرسون در تهران

آغاز گفت‌وگو با آمریکایی‌ها در خانه مصدق

شرق: لوی هندرسون، سفیر وقت آمریکا در ایران، ۲۵ دی ۱۳۳۱ (۱۵ ژانویه ۱۹۵۳) پیشنهاد تازه‌ای را که انگلستان برای حل مسئله نفت ایران با آن موافقت کرده بود، به دکتر مصدق، رئیس دولت تسلیم کرد و این دو در این زمینه هفت ساعت با یکدیگر گفت‌وگو کردند. این مذاکرات در خانه دکتر مصدق در خیابان کاخ (خیابان فلسطین امروزی) انجام شد. ۳۵ روز بعد (اول اسفند)، هندرسون پیشنهاد تازه انگلستان را که آمریکا نیز آن را تأیید کرده بود، به دکتر مصدق تسلیم کرد. در این پیشنهاد، هرچند ملی‌شدن صنعت نفت ایران و مالکیت دولت ایران بر آن به رسمیت شناخته شده بود، اما قیمت‌گذاری و فروش در دست ایران نبود و به علاوه بر امور فنی آن باید کارشناسان خارجی نظارت داشته باشند که مصدق آن را هم مغایر قانون ملی‌شدن صنعت نفت و حاکمیت ملی خواند. این مذاکرات و دیدارهای بین مصدق و هندرسون تا مرداد سال بعد، یعنی زمان کودتا، ادامه داشت. هندرسون هرچه بیشتر از مصدق ناامید می‌شد، نقشه کودتا قوت بیشتری می‌گرفت؛ تاجایی‌که ۲۷ مرداد را این‌طور روایت کرده است: «صحبت من با مصدق امشب یک ساعت طول کشید. او با لباس کامل (و نه ملبس به پیژامه) گویی که مراسم رسمی است، من را پذیرفت. او مثل همیشه مبادی‌آداب بود، اما من در برخورد او مقدار مشخصی رنجش پنهان تشخیص دادم. پس از ادای احترام معمول، من از زنجیر رویدادها از زمانی که دو ماه پیش از ایران خارج شدم ابراز تأسف کردم، افزودم از اینکه می‌بینیم ایران از نظر سیاسی و اقتصادی بدتر از آن زمان است، متأسفم. او با پوزخند، احساس من را تأیید کرد و در گفت‌وگو وقفه کوتاهی افتاد.

من گفتم به‌ویژه از تعداد فزاینده حملات به شهروندان آمریکایی نگران هستم. پس از حادثه شیراز، او به شهربانی‌ها دستور داده بود بالاترین میزان حفاظت را برای اتباع آمریکایی تأمین کنند. متأسفانه به نظر می‌رسد شهربانی‌ها باز سهل‌انگار شده‌اند. من هر یک یا دو ساعت گزارش‌های تازه‌ای از حملات به شهروندان آمریکایی، نه‌فقط در تهران، بلکه در نواحی دیگر دریافت می‌کنم.

او گفت این حملات تقریبا اجتناب‌ناپذیرند. مردم ایران فکر می‌کنند آمریکایی‌ها با آنها ناسازگارند و ازاین‌رو به آمریکایی‌ها حمله می‌کنند. من گفتم عدم سازگاری دلیلی برای حملات نیست. او پاسخ داد ایران دستخوش انقلاب است و در تنش و فشار انقلابی، برای تأمین حفاظت کامل از شهروندان آمریکایی سه برابر تعداد پلیس‌های موجود لازم است. من باید به خاطر بیاورم که در دوره انقلاب آمریکا زمانی که آمریکایی‌ها خواهان بیرون‌رفتن بریتانیا بودند، به بسیاری از بریتانیایی‌ها در ایالات متحده حمله می‌شد. من گفتم اگر ایرانی‌ها خواهان رفتن آمریکایی‌ها هستند، حملات فردی لازم نیست. ما همگی خواهیم رفت. او گفت دولت ایران نمی‌خواهد آمریکایی‌ها بروند، اما برخی افراد ایرانی می‌خواهند و ازاین‌رو به آنها حمله می‌کنند. من پاسخ دادم رؤسای هیئت نظامی آمریکایی، هیئت ژاندارمری آمریکایی، هیئت فنی، امروز من را مطلع کردند که مقامات ایرانی طرف آنها به آنها اطمینان داده‌اند مشتاق‌اند این هیئت‌ها به فعالیت در ایران ادامه دهند. این هیئت‌ها می‌توانند از حداکثر همکاری مقامات ایرانی مطمئن باشند. این رؤسا همچنین به من گفتند هیچ‌گاه مانند امروز از همکاری کامل‌تر و مؤثرتر مقامات ایرانی برخوردار نبوده‌اند. من پیش از آنکه بتوانم با او صحبت کنم، از مطلع‌کردن واشنگتن از این وضعیت خودداری کرده‌ام. من می‌خواهم بدانم برخورد او نسبت به این آمریکایی‌ها و هیئت‌های کمک آمریکایی و همچنین حفاظت کافی از اعضای این هیئت‌ها چیست. این معنی نمی‌دهد که برخی از مقامات ایرانی بر ماندن این هیئت‌ها در ایران پافشاری کنند، درحالی‌که اعضای این هیئت‌ها مورد توهین و حملات باندهای اوباش قرار می‌گیرند.

من از مصدق پرسیدم آیا او هیچ دلیلی برای این باور دارد که حقیقت داشته باشد شاه فرمان برکناری او را از نخست‌وزیری و گذاشتن زاهدی به‌جای او صادر کرده باشد. مصدق گفت هرگز چنان فرمانی را ندیده است و اگر دیده بود، هیچ تفاوتی نمی‌کرد. موضع او برای مدتی این بوده که قدرت‌های شاه فقط ماهیت تشریفاتی دارد؛ که شاه هیچ حقی درباره مسئولیت شخصی صدور فرمان برای تغییر دولت ندارد. من گفتم، من به‌ویژه به این نکته علاقه‌مندم و می‌خواهم این را با دقت به دولت ایالات متحده گزارش دهم. آیا باید استنتاج کنم او هیچ اطلاع رسمی‌ای ندارد که شاه فرمان برکناری او را از نخست‌وزیری صاده کرده و حتی اگر پی ببرد که شاه چنان فرمانی صادر کرده است، در شرایط کنونی او آن را غیرمعتبر می‌داند؟ او پاسخ داد «دقیقا».

اسناد تازه منتشرشده از سوی وزارت امور خارجه آمریکا درباره کودتای ۲۸ مرداد تصویر جدیدی از این ملاقات بحث‌برانگیز ارائه می‌کند. در این سند جدید که «مرور بحران اخیر» نام دارد، گفته می‌شود برخلاف گزارش اولیه هندرسون دیدار مصدق و هندرسن تنش‌زا بوده و به‌طور ناگهانی به پایان رسیده است. در این سند آمده «بنا بر یک گزارش موثق، (هندرسون) به مصدق هشدار داد که ادامه اصرارش به باقی‌ماندن در سمت نخست‌وزیری به نفع ایران نیست.» بنا بر سند، مصدق از حرف هندرسون به‌شدت عصبانی شد و پاسخ داد که او حق دخالت در امور داخلی ایران را ندارد. بعدها معلوم شد سفیر آمریکا مصدق را تهدید کرده که اگر نظم و آرامش را به خیابان‌ها برنگرداند و حملات تظاهرات‌کنندگان ملی یا چپ‌گرا به شهروندان و مراکز آمریکایی در ایران متوقف نشود، کمک‌های مالی و فنی واشنگتن به ایران به خطر خواهد افتاد و کاخ سفید احتمالا از به‌رسمیت‌شناختن مصدق به‌عنوان نخست‌وزیر خودداری خواهد کرد.

دکتر غلامحسین صدیقی، وزیر کشور مصدق نیز درباره این دیدار می‌گوید: «آمریکایی‌ها از نفوذ عناصر کمونیست سخت ناراحت شده بودند. عصر روز ۲۷ مردادماه لوی هندرسون، سفیرکبیر آمریکا در تهران که تازه از مرخصی آمده بود با مشاهده تظاهرات توده‌ای به دیدار نخست‌وزیر آمد و اظهار کرد: شما وضع خوبی ندارید، با این جریاناتی که می‌بینیم کمونیست‌ها ابتکار عمل را به دست گرفته‌اند، شما در برابر این وضع چه خواهید کرد؟ البته آقای دکتر مصدق دستور جلوگیری از این تظاهرات را دادند، ولی دیر شده بود».

یک روایت جالب دیگر از این دیدار را مهندس کاظم حسیبی، مشاور نفتی دکتر مصدق و معاون وزارت دارایی دولت او ارائه کرده است. او در یادداشت‌هایی که همان روزها می‌نوشت درباره این دیدار چنین می‌نویسد: «ساعت پنج بعدازظهر مجددا برای ادامه مذاکرات به منزل دکتر مصدق آمدیم و چون هندرسون، سفیر آمریکا که چند ماه بود ایران نبود و بلافاصله بعد از کودتا (۲۵ مرداد) به تهران آمده بود و با دکتر ملاقات داشت به منزل شایگان رفتیم. با آمدن فاطمی که تندروتر بود بحث از جمهوریت و اعلام انقراض سلطنت شد، ولی موانع دکتر هم تذکر داده شد، طرحی دایر به انتخاب شورای سلطنت تهیه کردیم و به منزل دکتر رفتیم و تا ساعت ۹:۵۰ در آنجا بودیم. دکتر پس از ملاقات با هندرسون خسته به نظر می‌رسید و بالاخره جریان را گفت که خلاصه آن ابراز عدم رضایت هندرسون از جریانات اخیر ایران و اظهار علاقه و پشتیبانی از شاه و تذکر این نکته که نخست‌وزیر سرلشکر زاهدی است و جواب دکتر این بود که شاه فراری چنین حقی نداشته و حتی در کشور هم اگر بود حق عزل نخست‌وزیر را نداشت و اینکه ما مقاومت می‌کنیم مگر آنکه تانک‌های شما از روی نعش‌های ما عبور کنند و به‌کلی از مساعدت آنان مأیوس بود». البته روایت دیگری نیز از حسیبی در یادنامه او از این دیدار ذکر شده که به لحن تهدیدآمیز روزولت شبیه‌تر است. او در این روایت می‌گوید: «ساعت حدود شش یا هفت عصر خبر آوردند که هندرسون سفیر آمریکا که از سفر سوریه (دمشق) برگشته و با اشرف، خواهر شاه نیز در آنجا ملاقات کرده بود، به ملاقات مصدق آمده است. در آن هنگام ما داخل اتاق بودیم. دکتر مصدق به ما گفت شما به اتاق دیگر بروید. پس از پایان ملاقات مصدق مجددا ما را خواست و جریان ملاقات را برای ما تعریف کرد. مصدق گفت هندرسون به من گفته که شما نخست‌وزیر نیستید. مگر شاه شما را عزل نکرده است؟ و من جواب دادم این حق شاه نیست که نخست‌وزیر را عزل کند. این امر جزء اختیارات مجلس است. هندرسون تهدید کرده بود که شما بدانید که ما هر اقدام لازمی را انجام می‌دهیم. مصدق جواب می‌دهد هر اقدامی را که فکر می‌کنید لازم است و می‌توانید، بکنید. هندرسن مجددا تهدید کرده بود و مصدق هم مؤدبانه به او جوابی داده بود که معنایش این بود که هر غلطی که می‌خواهید بکنید. دکتر مصدق واقعا فکر می‌کرد که آنها هیچ کاری نمی‌توانند بکنند».

روزنامه اتحاد ملی در مورخ ۱۲ دی ۱۳۳۴ نیز راجع به وقایع عصر ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ روایت جالبی دارد و می‌نویسد: «هندرسن، سفیر کبیر آمریکا، در منزل مصدق حاضر شده و بیاناتی را که تقریبا جنبه اتمام حجت داشت، ایراد کرده بود و گفته بود اگر وضع به این ترتیب پیش برود چون تأمینی برای آمریکاییان نیست از ایران خارج خواهند شد و با هواپیمایی که در دهران (عربستان سعودی) آماده شده به آن نقطه پرواز خواهند کرد و متعاقب همین ملاقات بود که برای نخستین مرتبه در آن چند روز حمله جدی به سربازان با سرنیزه و تفنگ به اجتماعات آنان شروع شد».

اما مصدق این روایت‌ها را قبول ندارد. او در خاطرات و تألماتش راجع به مطالب این روزنامه می‌نویسد: «مندرجات روزنامه مزبور برخلاف حقیقت است چون آقای سفیر کبیر آمریکا چنین مذاکراتی نکرده و دستور جلوگیری از افراد توده هم مدتی قبل از آمدن ایشان که ساعت شش بعد از ظهر بود، صادر شده بود. چنانچه فراموش نکرده باشم بیانات ایشان را که آقای علی پاشا صالح ترجمه کردند روی سه موضوع بود: یکی این بود که شهرت اینکه آقای سرلشکر زاهدی در سفارت ما است خلاف حقیقت است. دیگر اینکه رفراندومی که در ایران صورت گرفته من مخالف بودم و سومی این بود که از میدان سوم اسفند که می‌گذشتم مجسمه اعلی‌حضرت شاه فقید (رضاشاه) را که برداشته بودند دیدم و بسیار متأسف شدم».

یک جریان سیاسی می‌خواست دولت را تحقیر کند

ادامه از صفحه۲

*علت اینکه چرا این اعتراضات تا پیش از دی‌ماه ۹۶ بروز نکرد و در دی‌ماه خود را نشان دادند، نتیجه یک شوک اجتماعی است که اثر پروانه‌ای نام‌گذاری می‌شود؛ اثر پروانه‌ای اثری است که در نقطه فضا را می‌شکند و اعتراضات را به سطح می‌آورد. این ضربه شکننده می‌توانست یک عامل خارجی باشد، اما گروه‌های سیاسی که علیه دولت اقدام کردند، باعث شکسته‌شدن فضای موجود شدند.

* در پاسخ به این پرسش که آیا این اعتراضات و اتفاقات قابل تکرار هستند و می‌توانند نقش یک آژیر خطر را ایفا کنند، جواب من این است که بله، این اتفاقات محتمل و تکرارپذیر هستند؛ چراکه همچنان علت بروز آنها باقی است و با هر اثر پروانه‌ای امکان بروز آنها وجود دارد؛ اما اینکه آیا این اعتراضات شبیه اعتراضات دوران انقلاب است، باید بگویم خیر؛ در مباحث تئوریک همواره میان کودتا، شورش و انقلاب تمایز قائل می‌شویم. شورش نیز خود به سه دسته محدود، گسترده و مستمر تقسیم‌بندی می‌شود؛ بر این اساس اتفاقات دی‌ماه ۹۶ از جنس شورش‌های محدود قلمداد می‌شود.

*اینکه در شعارها گفته می‌شود «نه اصلاح‌طلب و نه اصولگرا» ممکن است به‌خاطر ناامیدی از این دو جریان و به نوعی بیان تمایل برای گذر از این جریانات باشد و نخبگان ناراضی می‌توانند این شعار را بیان کنند، اما توده‌های ناراضی اساسا شعارشان در حوزه معیشت و بر اساس ادراک شخصی‌شان از مسائل است. به نظر من باید شعارهای نخبگان را از شعارهای توده‌ها جدا کرد.

*سال قبل هم‌زمان با اعتراضات مردمی در دولت بحث شد که باید در مواجهه با اعتراضات مدارایی بزرگ صورت بگیرد و بیشتر نیروی انتظامی وارد محل شود؛ این استراتژی دولت بود. باوجوداین شاهد کشته‌شدن برخی از معترضان در تعدادی از شهرهای معترض بودم که علت آنها نیز برخی به دلیل ناکارآمدی در کنترل وضعیت، برخی به دلیل تیراندازی‌های کور از سمت مردم و برخی نیز به دلیل عدم یادگیری و آموزش مقابله با بحران از سوی نیروها بود، اما به طور اساسی هیچ دستوری برای سرکوب بیشتر وجود نداشت و بنا بر مدارا بود.

*نکته جالبی هم که وجود داشت این بود که در آن زمان بسیاری از خطبه‌های نمازهای جمعه در حمایت از معترضان بود و بسیاری از افراد شاخص شهرهای معترض نیز از معترضان حمایت می‌کردند؛ علت این حمایت‌ها نیز ممکن است این باشد که به نوعی مخاطب اعتراضات را دولت می‌دانستند.

* در اینکه جامعه ایران از لحاظ روانی بیشترین ناامنی روانی- اجتماعی را در سال‌های اخیر تجربه می‌کند، تردیدی وجود ندارد و برای آن علت‌های مختلفی مطرح می‌شود که مهم‌ترین آنها عدم دستیابی به شرایط انتظاری است؛ جامعه تا حدودی دچار ناامنی روانی شده است؛ چراکه آنچه را که انتظار داشت، نتوانسته به دست بیاورد.

*واقعا شرایط کشور این‌گونه نیست که مسئولان جامعه همه در حال بخوربخور هستند؛ ما در سطوح مختلف مسئولان افراد سالم بسیاری داریم؛ درست است که این واقعیت هم در این زمینه وجود دارد که افراد و مدیرانی هم در بدنه اجرائی و قانون‌گذاری هستند که از سمت‌های مدیریتی سوءاستفاده‌هایی می‌کنند، اما ادراک از فساد بسیار گسترده‌تر از وضع موجود آن است؛ این عوامل هرکدام به اندازه خود در فقدان اعتماد میان مردم تأثیرگذار هستند.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰
sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **رسیدگی و بازسازی محله‌های قدیمی تهران:** برخی محله‌های تهران، از جمله «آبشار» منشعب از خیابان ۱۷شهریور تهران، قدیمی و جزء بافت‌های فرسوده به‌شمار می‌رود. پیشنهاد می‌شود شهرداری به فکر رسیدگی و بازسازی این‌گونه محله‌ها باشد.

علی فکری

بازتاب

● **پاسخ روابط‌عمومی وزارت راه و شهرسازی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای:** احتراما با عنایت به پیام مردمی مندرج در آن روزنامه در تاریخ ۹۷/۹/۱۷ درخصوص تأخیر در حرکت اتوبوس‌های بین‌شهری به استحضار می‌رساند براساس تبصره ۲ ماده ۶ ضوابط حمل‌ونقل مسافر موضوع ماده ۹ آیین‌نامه اجرائی تبصره ۱ ماده ۳۱ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، در صورت بروز تأخیر بیش از یک ساعت در اعزام وسیله نقلیه، شرکت‌ها و مؤسسات مسافربری موظف‌اند بنا به درخواست مسافر نسبت به استرداد کل مبلغ بلیت اقدام نمایند، همچنین براساس ماده ۲۲ ضوابط فوق شرکت‌ها و مؤسسات مسافربری مکلف‌اند سرویس مسافرتی را به‌موقع و در ساعت مندرج در بلیت اعزام نمایند و در صورت بروز تأخیر در حرکت وسیله نقلیه در زمان تعیین‌شده در اسرع وقت و حداکثر تا یک ساعت نسبت به جایگزینی وسیله نقلیه مناسب اقدام نمایند. لازم به ذکر است که زمان در نظر گرفته‌شده به منظور طی فرایندهای قبل از سفر از جمله صدور اسناد حمل، بازدیدهای فنی و ایمنی، کنترل مدارک راننده و وسیله نقلیه، بارگیری توشه مسافران و... در نظر گرفته شده است. با این حال در صورت بروز هرگونه مواردی غیر از عناوین گفته‌شده، مسافران محترم می‌توانند با ارائه تصویر بلیت و مستندات کافی که بیانگر نام شرکت، تاریخ سفر و سایر اطلاعات سفر باشد، موضوع را برای طرح در کمیسیون‌های رسیدگی به تخلفات حمل‌ونقلی به ادارات کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان ذی‌ربط منعکس نموده تا نسبت به تخلفات شرکت‌ها و مؤسسات مسافربری بررسی و رسیدگی لازم به عمل آید. خواهشمند است دستور فرمایید برابر قوانین و مقررات نسبت به درج پاسخ این سازمان در آن رسانه اقدام لازم را معمول فرمایند.